

گفت‌وگوی «جوان» با سارا احمدی، مشاور پروژه‌های خورشیدی و بادی

دیوان سالاری ناپاک دشمن انرژی پاک شده‌است

تسریع مجوزها و افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر لازمه عبور از ناترازی انرژی است

جهان در حالی که با شتاب به سوی انرژی‌های پاک حرکت می‌کند، ایران مان با پتانسیل بی‌نظیر خورشید و باد، همچنان در تله دیوان سالاری گرفتار است. پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر که می‌توانند ناترازی انرژی کشور را جبران کنند، پشت سد مجوزهای پیچیده و کمبود سرما به‌گذاری متوقف مانده‌اند. سارا احمدی، دانش‌آموخته مهندسی انرژی‌های تجدیدپذیر و مشاور پروژه‌های خورشیدی و بادی معتقد است که گره این مشکل نه در فناوری، بلکه در ساختارهای ناکارآمد اداری است. او در گفت‌وگو با «جوان» از موانع توسعه انرژی پاک می‌گوید و راهکارهایی برای عبور از این بحران ارائه می‌دهد. به گفته او، «دیوان سالاری، بزرگ‌ترین دشمن انرژی پاک در ایران است.» این جمله، تلنگری است به تصمیم‌گیرانی که فرصت‌های عظیم منابع طبیعی کشور را نادیده گرفته‌اند. در شرایطی که آلودگی هوا و وابستگی به سوخت‌های فسیلی هزینه‌های سنگینی به کشور تحمیل کرده، انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند راه نجاتی باشند، اما تنها در صورتی که اراده‌ای برای اصلاح رویه‌ها شکل بگیرد. در این مصاحبه، نگاهی عمیق به چالش‌ها و امیدهای توسعه انرژی پاک در کشورمان صورت گرفته و از لزوم تغییر در سیستم‌های ناکارآمد سخن رفته است.

چرا با وجود ظرفیت بالای ایران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، شاهد پیشرفت چشمگیری در این بخش نیستیم؟

حقیقت این است که ایران از منظر منابع طبیعی برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، مانند نور خورشید و باد، در زمره کشورهای ممتاز جهان قرار دارد. کشور ما سالانه بیش از ۳۰۰ روز آفتابی دارد و مناطقی نظیر خواف و منجیل از ظرفیت بی‌نظیری برای تولید انرژی بادی برخوردارند. با این حال، متأسفانه دیوان سالاری پیچیده و زمان‌بر، بزرگ‌ترین مانع پیش روی این صنعت است. اخذ مجوز برای اجرای یک پروژه خورشیدی یا بادی گاه تا دو سال به طول می‌انجامد. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، این فرآیند در چند ماه به سرانجام می‌رسد. سرمایه‌گذاران با مواجهه با این مسیر دشوار و پرپیچ‌وخم، انگیزه خود را از دست می‌دهند و پروژه‌ها متوقف می‌مانند.

دقیقاً کدام بخش‌های دیوان سالاری این مشکلات را ایجاد می‌کنند؟

واقعیت این است که ناهماهنگی میان نهادهای مختلف، اصلی‌ترین چالش است. وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان زمین‌شناسی هر کدام مقررات خاص خود دارند که گاه با یکدیگر تعارض دارند. فرآیند ارزیابی زمین برای احداث نیروگاه‌ها نیز بسیار کند می‌رود. افزون بر این، قراردادهای خرید تضمینی برق که باید مشوق سرمایه‌گذاری باشند، گاهی با تأخیر در پرداخت مواجه می‌شوند و اعتماد سرمایه‌گذاران را خدشه‌دار می‌کنند. این عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا پروژه‌ها در پیچ‌وخم بروکراسی گرفتار شوند.

آیا این موانع صرفاً به دیوان سالاری محدود می‌شوند یا عوامل دیگری نیز دخیلند؟

گرچه دیوان سالاری مهم‌ترین مانع است، اما عوامل دیگری نیز وجود دارند. بارانه‌های کلان به سوخت‌های فسیلی سبب می‌شود برق تولیدشده از این منابع در ظاهر مقرون به صرفه‌تر باشد، در حالی که هزینه‌های زیست‌محیطی آنها در محاسبات لحاظ نمی‌شود. همچنین، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و ریسک بالای اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دشوار کرده است. با این حال، اگر فرآیندهای اداری تسهیل شوند، بخش عمده این مشکلات با ظرفیت‌های داخلی قابل حل خواهد بود.

چه اصلاحاتی برای رفع این موانع اداری پیشنهاد می‌کنید؟

ایجاد یک پنجره واحد برای صدور مجوزها ضرورتی انکارناپذیر است. سرمایه‌گذاران نباید ناچار به تعامل با چندین نهاد باشند؛ یک نهاد هماهنگ‌کننده باید همه مراحل را مدیریت کند. همچنین، تعیین زمان‌بندی

مشخص برای هر مرحله از صدور مجوز و پاسخگویی در برابر تأخیرها ضروری است. افزون بر این، قراردادهای خرید تضمینی باید شفاف‌تر شوند و پرداخت‌ها به‌موقع صورت گیرند تا اعتمادسازی انجام شود. تجربه کشورهایی مانند ترکیه نشان می‌دهد که ساده‌سازی فرآیندها می‌تواند ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر را در کوتاه‌مدت چند برابر کند.

دولت چه نقشی در این اصلاحات می‌تواند ایفا کند؟ آیا حمایت مالی نیز لازم است؟

دولت باید نقش محوری در این تحول داشته باشد. ارائه مشوق‌هایی مانند وام‌های کم‌بهره و معافیت‌های مالیاتی می‌تواند سرمایه‌گذاران را ترغیب کند. هزینه اولیه پروژه‌های تجدیدپذیر بالاست و این مشوق‌ها می‌توانند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند. همچنین، تضمین خرید برق برای دوره‌های طولانی‌تر، مثلاً ۲۰ سال، انگیزه‌بخش خواهد بود. دولت همچنین می‌تواند با اجرای پروژه‌های بزرگ، الگویی برای بخش خصوصی ایجاد کند و این بخش را به مشارکت تشویق کند.

بخش خصوصی چگونه می‌تواند در این حوزه نقش آفرینی کند؟

بخش خصوصی هم‌اکنون علاقمند به سرمایه‌گذاری در این حوزه است، اما نیازمند اطمینان و ثبات است. با رفع موانع اداری و ارائه مشوق‌های مالی، شرکت‌های داخلی می‌توانند به‌سرعت وارد عمل شوند. برای مثال در مناطق کویری، بسیاری از شرکت‌ها آماده احداث نیروگاه‌های



با بهره‌گیری تنها یک درصد از اراضی کویری، می‌توان کل نیاز برق کشور را از طریق انرژی خورشیدی تأمین کرد. مناطق بادخیز ما قادرند سالانه دهها هزار مگاوات برق تولید کنند. حتی انرژی زمین‌گرمایی در مناطقی مانند سیلان پتانسیل قابل توجهی دارد. اگر تنها ۱۰ درصد از این ظرفیت فعال شود، نه تنها ناترازی انرژی رفع می‌شود، بلکه امکان صادرات برق نیز فراهم خواهد شد

خورشیدی هستند، اما منتظر شفافیت در فرآیندهای مجوزدهی‌اند. همکاری با شرکت‌های خارجی برای انتقال فناوری نیز می‌تواند مؤثر باشد، مشروط به آنکه موانع سیاسی و اقتصادی اجازه دهد.

ظرفیت واقعی ایران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر چیست؟

ایران ما از نظر ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر، موقعیت استثنایی دارد. با بهره‌گیری از تنها یک درصد از اراضی کویری، می‌توان کل نیاز برق کشور را از طریق انرژی خورشیدی تأمین کرد. مناطق بادخیز ما قادرند سالانه دهها هزار مگاوات برق تولید کنند. حتی انرژی زمین‌گرمایی در مناطقی مانند سیلان پتانسیل قابل توجهی دارد. اگر تنها ۱۰ درصد از این ظرفیت فعال شود، نه تنها ناترازی انرژی رفع می‌شود، بلکه امکان صادرات برق نیز فراهم خواهد شد.

چرا این ظرفیت عظیم تاکنون بهره‌برداری نشده‌است؟

اولویت‌بندی‌های نادرست و تمرکز بر سوخت‌های فسیلی، مانع اصلی بوده‌اند. زیرساخت‌های فسیلی موجود، راه‌حل‌های سریع‌تری به نظر می‌آیند، اما حالا با بحران‌هایی مانند آلودگی هوا و قطعی برق، ضرورت بازنگری آشکار شده است. دیوان سالاری نیز این روند را کند کرده است. افزون بر این، کمبود آگاهی در میان برخی تصمیم‌سازان که انرژی‌های تجدیدپذیر را غیرقابل‌اعتماد می‌دانند، مزید بر علت شده است.

فناوری‌های نوین چگونه می‌توانند به توسعه این بخش کمک کنند؟

پیشرفت‌های فناوری، چشم‌انداز این صنعت را دگرگون کرده‌اند. پنل‌های خورشیدی جدید با بازده بیش از ۲۲ درصد و هزینه تولید کاهش یافته، بسیار مقرون به‌صرفه شده‌اند. توربین‌های بادی مدرن نیز در شرایط جوی متنوع‌تر کار می‌کنند. فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی،

ناترازی انرژی را برطرف کنند؟

این انرژی‌ها پتانسیل بالایی برای رفع ناترازی دارند. احداث چند نیروگاه خورشیدی و بادی بزرگ در مناطق پرظرفیت می‌تواند بخش عمده کمبود برق را جبران کند. برای مثال، یک نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی خورشیدی می‌تواند برق چندین شهر کوچک را تأمین کند، اما این امر مستلزم اقدام فوری و رفع موانع موجود است.

آینده انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آینده این صنعت به تصمیمات امروز بستگی دارد. با اصلاح دیوان سالاری، افزایش سرمایه‌گذاری و اعتماد به بخش خصوصی، می‌توان تا ۱۵ سال آینده ۲۰ درصد برق کشور را از منابع تجدیدپذیر تأمین کرد. اما مداوم روند کنونی ما را از این هدف دور خواهد کرد. من به ظرفیت‌های کشور امیدوارم، اما اراده جمعی لازم است.

سخن پایانی؟

دیوان سالاری، دشمن توسعه انرژی پاک است، اما شکست دادنی است. زمان آن فرا رسیده که با عزم ملی، برای آینده‌ای پاک‌تر و پایدارتر گام برداریم.

جمع‌بندی

این گفت‌وگو نشان داد که دیوان سالاری، سد بزرگی در برابر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران است. با اصلاح ساختارهای اداری، افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم کشور، می‌توان ناترازی انرژی را رفع کرد و به سوی آینده‌ای پاک حرکت کرد.



حمایت نظام مالیاتی از تولید به شیوه‌ای هوشمندانه

تعرفه بر کالاهای مصرفی غیرضروری، موجب افزایش توان رقابتی صنایع داخلی خواهد شد.

اخذ مالیات بر سود سپرده‌های بانکی: در شرایطی که سود سپرده‌های بانکی بدون ریسک و بدون ایجاد ارزش افزوده، بازدهی بالاتری نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش تولید دارد، سرمایه‌ها به سمت بانک‌ها و فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا می‌کنند. اخذ مالیات بر سود سپرده‌های کلان، می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در تولید را افزایش داده و نقدینگی را به‌جای حبس در نظام بانکی، به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کند.

اصلاح مالیات بر ارزش افزوده: نظام مالیات بر ارزش افزوده (VAT) در ساختار کنونی، به‌دلیل تأثیرگذاری بر جریان نقدینگی بنگاه‌های تولیدی، در برخی موارد به ضرر تولیدکنندگان تمام می‌شود. اصلاح این مالیات از طریق کاهش نرخ برای کالاهای اساسی و خدمات تولیدی، همچنین تسهیل فرآیند بازگشت اعتبار مالیاتی به تولیدکنندگان می‌تواند فشار مالیاتی بر تولید را کاهش داده و رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای داخلی را بهبود بخشد.

هم‌افزایی میان دولت، دستگاه‌ها و مردم

در نهایت، اگر قرار است شعار «سرمایه‌گذاری در تولید» به یک حقیقت ملموس تبدیل شود، لازم است که تمام دستگاه‌های اجرایی، نهادهای مردم‌به‌موازا، یک‌دیگر و به صورت هماهنگ عمل کنند. هر دستگاه و هر نهاد باید وظایف خود را به درستی انجام دهد و در کنار مردم، شرایط لازم برای رشد و شکوفایی تولید را فراهم آورد. ممکن است این اتفاق بیفتد که دولت به عنوان گم‌راننده اصلی سیاست‌ها از ظرفیت تعدادی از دستگاه‌ها استفاده‌ای نکند و در عوض برای جبران آن، از ابزارهای دیگر و توان و ظرفیت بعضی دستگاه‌های دیگر زیرمجموعه خود به صورت افراطی بهره‌گیری کند. باید قائل به این نکته باشیم که مرای حمایت از تولید و بسترسازی برای سرمایه‌گذاری در تولید، هر دستگاه متناسب با نقشه که از یک‌سو کند یا افزایش شفافیت تولیدکنندگان داخلی کمک کند و از سوی دیگر با جلوگیری از ورود کالاهای غیرضروری، از صنایع داخلی در برابر رقابت ناعادلانه حمایت کنند. کاهش تعرفه بر واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات تولیدی و افزایش

چندی از سرناچاری یا حتی انتخاب به همین بازارهای سوداگرانه و نامولد روی می‌آورند؛ قانونگذار در چنین موقعیتی باید با اعمال مالیات‌های سنگین و کارشناسی شده از بخش نامولد اقتصاد این پیام را به مشتریان و متقاضیان فعلی و آتی مخابره کند که حضور در این عرصه هزینه بالایی دارد و نرخ‌ها باید به گونه‌ای باشد که واقعاً انگیزه افراد را تغییر دهد. به اینگونه که شاهدانتقال سرمایه از این فضاهای مسموم به سمت بخش تولید باشیم و نه آنکه دولت با اعمال نرخ‌های پایین و کم‌اثرو، خود سهیم و شریک در وضعیت اسفناک امروز باشد.

وضع مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی (CGT):

سفته‌بازی و فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی از جمله خریدوفروش مکرر املاک، ارز و طلا بدون ارزش افزوده واقعی، موجب افزایش بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش منابع در دسترس بخش تولید می‌شود. وضع مالیات بر این نوع معاملات، با افزایش هزینه سفته‌بازی، انگیزه سرمایه‌گذاران را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کرده و مانع از تشدید شکاف‌های اقتصادی و نوسانات شدید در بازارهای غیرمولد می‌شود. این پایه مالیاتی اگر به درستی اجرا شود، ظرفیت آن را دارد که با توجه به خاصیت ضدتورمی خود، چرخه باطل تورم‌زای کشور را برهم زند.

وضع مالیات بر مجموع درآمد اشخاص: اجرای نظام

مالیات بر مجموع درآمد اشخاص (PIT) موجب کاهش

شکاف طبقاتی و افزایش عدالت مالیاتی می‌شود. در این

نظام، تمامی درآمدهای فرد از منابع مختلف (مانند حقوق،

سود سرمایه‌گذاری، اجاره و سایر منابع) تجمع شده و

براساس نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات می‌شود. این

سیاست نه تنها موجب توزیع عادلانه‌تر بار مالیاتی می‌شود،

بلکه کاهش مالیات بر درآمد اشخاص، امکان فرار مالیاتی را نیز

کاهش می‌دهد.

اصلاح تعرفه‌های گمرکی بر صادرات و واردات:

تعرفه‌های گمرکی به عنوان ابزاری برای تنظیم جریان

تجاری کشور باید به گونه‌ای اصلاح شوند که از یک‌سو

به کاهش هزینه‌های تولیدکنندگان داخلی کمک کنند و

از سوی دیگر با جلوگیری از ورود کالاهای غیرضروری، از

صنایع داخلی در برابر رقابت ناعادلانه حمایت کنند. کاهش

تعرفه بر واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات تولیدی و افزایش

کار را برای تولید و رشد اقتصادی فراهم آورد. همچنین می‌تواند با اصلاح تعرفه‌های گمرکی چه در بخش صادرات و چه در بخش واردات، حمایت ویژه‌ای از بخش تولید داشته باشد. لازم به ذکر است که اقداماتی همچون اخذ مالیات از سود سپرده‌های بانکی، اصلاح مالیات بر ارزش افزوده و تصویب قانون مالیات بر مجموع درآمد از جمله کارهای کلیدی و ضروری است که ظرفیت آن را دارد تا به طور اساسی و ریشه‌ای از تولید حمایت کند.



حمایت‌های غیرمستقیم

ابتکاری که می‌توان به خرج داد این است که دولت در عین توجه‌داشتن به حمایت از بخش تولید، تمرکز خود را از اعمال سیاست مالیاتی بر خط تولید بردارد. فضای کنونی ساختار اقتصاد ما اینگونه است که بازدهی بخش تولید با عواید به نسبت بالای بازارهای نامولد و سفته‌بازانه، قابل مقایسه نیست و حاکی از آن است که با بهادادن و آزاد گذاشتن هرچه بیشتر این میدان مسابقه، تولیدکنندگان

ما به‌طور بی‌رحمانه‌ای مورد آسیب قرار می‌گیرند و حاشیه سودشان به صفر میل می‌کند و از کار کردن در این عرصه مهم و حیاتی، بی‌ رغبت و دزدانه می‌شوند و متعاقباً پس از

بحران‌ها مؤثر باشد. دولت با تغییر نرخ مالیات در دوره‌های مختلف اقتصادی می‌تواند از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری کرده و از نوسانات شدید در بازارهای مختلف جلوگیری کند.

مکانیسم‌های اثرگذاری و حمایت نظام مالیاتی

از تولید
اثرگذاری مالیات در یک اقتصاد به‌طور عمده از طریق دو مکانیسم مختلف انجام می‌شود:

اثرگذاری پهن گانه مالیات

مالیات به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی سیاست مالی، نقش‌های متعددی را در اقتصاد ایفا می‌کند. این نقش‌ها را می‌توان در یک طبقه‌بندی به پنج کارکرد اصلی دسته‌بندی کرد: درآمدی، توزیعی، تنظیمی، تثبیتی و اطلاعاتی. با این حال، این کارکردها به‌طور مستقل از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه پایه‌های مالیاتی اغلب چندمنظوره‌اند و می‌توانند همزمان به بیش از یک هدف خدمت کنند. برای مثال، یک پایه مالیاتی خاص ممکن است هم به تأمین درآمد دولت کمک کند، هم به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و هم به کنترل نوسانات اقتصادی. در واقع این کارکردها همچون اهدافی هستند که بسته به طراحی و اجرای سیاست مالیاتی می‌توانند به‌طور همزمان یا متوالی محقق شوند. ناگفته نماند که گاهی اوقات دستیابی به چند هدف از اهداف مذکور، ممکن است به علت ناسازگاری با هم و یکسری تراخیم‌ها تحقق پیدا نکند. به این صورت که ممکن است قانونگذار برای اجرای یک سیاست مالیاتی با کارکرد تنظیمی از درآمد قابل توجهی صرف‌نظر کند.

نقش تنظیمی و تثبیتی مالیات
مالیات می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تنظیم رفتارهای اقتصادی و اجتماعی استفاده شود. از این طریق، دولت قادر است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر الگوهای مصرف و تولید اثر بگذارد. برای نمونه، افزایش مالیات بر کالاهای لوکس می‌تواند مصرف آنها را کاهش دهد، در حالی که ارائه مشوق‌های مالیاتی برای بخش‌های تولیدی و نوآورانه می‌تواند انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری را تقویت کند، همچنین می‌تواند در تثبیت نوسانات اقتصادی و مقابله با

در سال ۱۴۰۴، رهبر معظم انقلاب با طرح شعار «سرمایه‌گذاری در تولید»،

بر لزوم توجه و تقویت بخش تولید به عنوان یکی از ارکان

اساسی رشد اقتصادی تأکید کردند. این شعار نه تنها یک

هدفگذاری و ضرورت برای بخش تولید، بلکه یک مأموریت

برای دستنگاه‌ها از جمله نظام مالیاتی کشور است. نظام

مالیاتی باید نقشی مؤثر در هدایت منابع به سمت تولید ایفا

کند، اما واقعیت این است که سیاستگذار تا به امروز بیشتر

با اعطای معافیت‌های موردی و کاهش نرخ‌های مالیاتی

سعی در جلب رضایت مؤدیان بزرگ داشته است، بدون

اینکه تأثیر خاصی در رشد پایدار تولید ایجاد شود.

چرا معافیت‌ها به تنهایی کافی نیستند؟

تا به امروز، برای حمایت از تولید، معافیت‌های مالیاتی

گسترده‌ای به بخش‌های مختلف داده شده است، این

معافیت‌ها بعضاً با توجهاتی چون تشویق سرمایه‌گذاری

یا تقویت صنایع داخلی اعطا شده‌اند. در ظاهر این

سیاست‌ها ممکن است به‌نظر راه‌حل‌هایی منطقی

باشند، اما اگر به عمق مسئله نگاه کنیم، متوجه خواهیم

شد که این سیاست‌ها به تنهایی نمی‌توانند مشکلات

ساختاری اقتصاد را حل کنند. معافیت‌ها و تخفیف‌های

مالیاتی در بلندمدت قادر به هدایت منابع به سمت تولید

نی‌باشند. در صورتی که سودآوری ارز، طلا، مسکن

بیش‌تر از سرمایه‌گذاری در تولید و از طرفی بدون ریسک

و هزینه‌باشد، سرمایه‌ها به راحتی به سمت بازارهای

غیرمولد کشیده می‌شوند، بازارهایی که نه تنها منافع

ملی را تأمین نمی‌کنند، بلکه باعث نوسانات و آسیب‌های

اقتصادی می‌شود. به همین دلیل باید از خودبهرسیم

که چگونه می‌توان از این ظرفیت‌های مالیاتی به‌طور

هوشمندانه استفاده کرد تا تولید تقویت شود و به موتور

محرك اقتصاد تبدیل شود.

چایگاه مالیات در سیاست‌های دولت

مالیات از جمله ابزارهایی است که دولت‌ها برای تنظیم

اقتصاد ایجاد عدالت اجتماعی و دستیابی به اهداف

توسعه‌ای در اختیار دارند. این ابزار مالی، با تنظیم رفتارهای

اقتصادی و اجتماعی افراد و بنگاه‌ها می‌تواند تأثیرات